

روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟

تریسی جرمن

ترجمه سعید خاوری نژاد



انتشارات دولتمرد

رشت، ۱۳۹۷

سرشناسه	: جرمن، تریسی سی، ۱۹۷۱-م. German, Tracey C., 1971-
عنوان و نام پدیدآور	: روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟ / تریسی جرمن؛ ترجمه سعید خاوری نژاد؛ ویراستار مونا شکوری.
مشخصات نشر	: رشت: انتشارات دولتمرد، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۸۶ ص: جدول.
شابک	: 978-622-95073-3-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Russia and the Caspian Sea : projecting power or competing for influence?, 2014.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: روسیه (فدراسیون). نیروی دریایی
موضوع	: Russia (Federation), Voenno-Morskoï Flot
موضوع	: امنیت ملی -- روسیه (فدراسیون)
موضوع	: National security -- Russia (Federation)
موضوع	: امنیت بین‌المللی -- دریای خزر، منطقه
موضوع	: Security, International -- Caspian Sea Region
موضوع	: منابع طبیعی -- دریای خزر، منطقه
موضوع	: Natural resources -- Caspian Sea Region
موضوع	: روسیه (فدراسیون) -- روابط خارجی -- دریای خزر، منطقه
موضوع	: Russia (Federation) -- Foreign relations -- Caspian Sea Region
موضوع	: دریای خزر، منطقه -- روابط خارجی -- روسیه (فدراسیون)
موضوع	: Caspian Sea Region -- Foreign relations -- Russia (Federation)
موضوع	: روسیه (فدراسیون) سیاست نظامی -- قرن ۲۱م.
موضوع	: Russia (Federation) -- Military policy -- 21st century
موضوع	: دریای خزر، منطقه -- جنبه‌های استراتژیکی
موضوع	: Caspian Sea Region -- Strategic aspects
موضوع	: دریای خزر، منطقه -- موقعیت بین‌المللی
موضوع	: Caspian Sea Region -- International status
شناسه افزوده	: خاوری نژاد، سعید، ۱۳۶۲ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ج۴/۷۶۴/۵۱۰ DK
رده بندی دیویی	: ۳۵۵/۰۳۳۰۴۷۰۸۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۶۹۲۶۰

روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟

نویسنده: تریسی جرمن
 مترجم: سعید خاوری نژاد
 ویراستار: مونا شکوری
 ناشر: دولتمرد
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷
 قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
 شابک: ۹-۳-۹۵۰۷۳-۹۵۰۲۲-۹۷۸
 تلفن: ۰۱۳-۳۳۵۸۴۶۴۵
 همراه: ۰۹۱۱۲۴۸۵۹۶۷

وبسایت: www.dolatmardpub.ir
 پست الکترونیک: info@dolatmardpub.ir

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۳	خلاصه
۵	روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟
۹	دریای خزر و اهمیت آن.....
۱۳	منابع خزر
۱۳	ذخایر نفت و گاز.....
۲۱	خطوط لوله.....
۲۸	همکاری برای خاویار؟.....
۳۱	وضعیت حقوقی نامشخص خزر
۳۵	خزر و امنیت روسیه
۴۰	ناوتیپ خزر.....
۴۹	سایر نیروهای دریایی خزر
۴۹	قزاقستان.....
۵۰	آذربایجان.....
۵۳	ترکمنستان.....
۵۴	ایران.....

۵۹	رقابت یا همکاری؟
۶۵	نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادات
۷۱	یادداشت‌ها
۸۱	منابع

پیشگفتار

ناوتیپ خزر^۱ روسیه در نوامبر سال ۲۰۱۲ دویمین سالروز خود را جشن گرفت. این ناوتیپ که در سال ۱۷۲۲ توسط پتر کبیر^۲ بنیانگذاری شده بود، جزء بسیار مهم توسعه‌طلبی امپراتوری روسیه به سوی منطقه خزر بود و نزدیک به ۳۰۰ سال بعد، رکن بسیار مهم نفوذ مستمر روسیه در «جنوب» خود باقی می‌ماند. دریای خزر و «جنوب» از قرن ۱۸، هنگامی که روسیه نیازمند تضمین و حفظ پیوندهای تجاری با امپراتوری ایران و نیز اجتناب از هر گونه تخطی ایرانی‌ها بود، جایگاهی بنیادین در امنیت روسیه داشته‌اند. رقابت فزاینده میان روسیه و امپراتوری‌های رقیب خود در قفقاز و آسیای میانه در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ منجر به درگیری‌های نظامی مکرر در دریای خزر شد که باعث اهمیت نظامی مجدد ناوتیپ خزر گردید. عوامل انگیزه دهنده به علاقه بین‌المللی به دریای خزر، از قرن ۱۸ [تا به حال] تغییر اندکی کرده و میان رویدادهای تاریخی و شرایط معاصر شباهت‌هایی وجود دارد: رقابت برای نفوذ میان قدرت‌های منطقه‌ای مختلف؛ اهمیت ژئواستراتژیک منطقه، که ایران به‌طور مستقیم در مسیر جنوب است؛ اهمیت حیاتی عوامل اقتصادی؛ حفظ دسترسی به منابع طبیعی و نیز مسیرهای تجاری پرمفعت و نفوذ بازیگران خارجی در توسعه منطقه.

دغدغه‌های مسکو در منطقه خزر بازتاب دهنده دغدغه‌های گسترده‌تر درباره نفوذ در حال رشد ایالات متحده (و اروپا) در «حیات خلوت راهبردی» روسیه در کشورهایی از

-
1. Caspian Flotilla
 2. Peter the Great

۲ ■ روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟

قبیل گرجستان، اوکراین و جمهوری‌های آسیای میانه است - دغدغه‌ای که در اسناد راهبردی مهم روسی شامل مفهوم سیاست خارجی^۱ در سال ۲۰۰۸، راهبرد امنیت ملی^۲ در سال ۲۰۰۹ و دکترین نظامی^۳ در سال ۲۰۱۰ منعکس می‌شود. مناظره سیاسی روسی، بر فضای شوروی سابق، به‌عنوان قلمرو نفوذ انحصاری خود، یا همان‌طور که دمیتری مدودف^۴ رئیس جمهور [سابق] روسیه گفت، «منطقه منافع ویژه» روسیه، تمرکز می‌کند و مسکو به دنبال خنثی کردن مداخله فزاینده سایر بازیگران در منطقه بوده است. سیاستگذاری روس‌ها در برابر کشورهای شوروی سابق در آسیای میانه، قفقاز جنوبی و حاشیه غربی خود (اوکراین، مولداوی و بلاروس) در دوران معاصر بر حفظ نفوذ و حفاظت از منافع روسیه تمرکز دارد. روایت «نفوذ» منعکس‌کننده میل روسیه به طرح مجدد خود در سراسر فضای سابق شوروی به‌منظور مقابله با گسترش مشاهده شده مداخله غربی، به‌ویژه بزرگ‌تر شدن سازمان پیمان آتلانتیک شمالی^۵، در «قلمرو نفوذ» خود است. رویدادهای سال ۲۰۱۴ در اوکراین (و گرجستان در سال ۲۰۰۸) بر اهمیت حیاتی داشتن درکی واضح از نحوه مشاهده نفوذ بازیگران خارجی توسط روسیه در «منطقه منافع ویژه» خود و تأثیر بر روابط آن با کشورهای مستقر در مکانی تأکید می‌کند که «خارج نزدیک» آن در نظر گرفته می‌شود.

داگلاس سی. لاولیس

رئیس مرکز مطالعات راهبردی و انتشارات

دانشکده جنگ نیروی زمینی ایالات متحده آمریکا

-
1. Foreign Policy Concept
 2. National Security Strategy (NSS)
 3. Military Doctrine
 4. Dmitry Medvedev
 5. near abroad
 6. North Atlantic Treaty Organization (NATO)

خلاصه

این اثر هم زمان با تلاش مسکو برای موازنه دخالت فزاینده آمریکا در چیزی که از نظر مسکو منطقه منافع ویژه روسیه است، به ارزیابی سیاستگذاری روسیه در زمینه منطقه دریای خزر پرداخته و بر گسترش اخیر ناوتیپ دریایی خزر و علت آن تمرکز می‌کند. مسکو به دنبال موازنه مداخله فزاینده سایر بازیگران در منطقه بوده که به گسترش تنش میان روسیه و همسایگان جنوبی آن منجر شده است. اهداف اصلی این پژوهش، ارزیابی تصورات روس‌ها از تهدید و امنیت در منطقه خزر و برآورد پیامدها برای سایر بازیگران است. این اثر به تجزیه و تحلیل محرک‌های رقابت فزاینده برای نفوذ می‌پردازد، بر تحولات بخش انرژی تمرکز می‌کند و پیامدهای تحکیم سلطه روسیه برای امنیت و ثبات در منطقه را تخمین می‌زند. این موضوع به این دلیل اهمیت دارد که درکی واضح از تفکر راهبردی روسیه و تصور آن از تهدید در دریای خزر، برای تسهیل سیاستگذاری ایالات متحده در منطقه گسترده‌تر قفقاز و منطقه آسیای میانه حیاتی است.

روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟

ناوتیپ خزر روسیه در نوامبر سال ۲۰۱۲ دویست و نودمین سالروز خود را جشن گرفت. این ناوتیپ که در سال ۱۷۲۲ توسط پتر کبیر بنیانگذاری شده بود، جزء بسیار مهم توسعه‌طلبی امپراتوری روسیه به سوی منطقه خزر بود و نزدیک به ۳۰۰ سال بعد، جزء بسیار مهم نفوذ مستمر روسیه در «جنوب» خود باقی می‌ماند. وزارت دفاع روسیه ناوتیپ خزر را «نه فقط دورترین پایگاه روسیه در جنوب، بلکه متضمن یکپارچگی مرزهای دریایی و مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی کشور در دریای خزر» توصیف می‌کند.^(۱) ناوتیپ، از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی^۱ در سال ۱۹۹۱ و متعاقب آن، جابجایی از باکو^۲ به آستراخان^۳ جان سالم به در برد. بر خلاف سایر ناوگان‌های روسی دستخوش کاهش اندازه نشده بلکه در سال‌های اخیر کانون سرمایه‌گذاری چشمگیری بوده است. ناوتیپ خزر تا سال ۲۰۲۰ از ۱۶ کشتی جدید برخوردار خواهد شد؛ رقمی چشمگیر برای یک حوضه «بسته» به نسبت کوچک و فاقد دسترسی به دریاها و آزاد که کشورهای ساحلی بر دسترسی به داخل و خارج از منطقه کنترل دارند. این امر موجب طرح پرسش‌هایی درباره تصور روسیه درباره تهدید و امنیت در منطقه خزر می‌شود: روسیه چه کسی و / یا چه چیزی را به‌عنوان چنین چالشی امنیتی در منطقه تصور می‌کند که لازم می‌بیند قابلیت‌های دریایی خود را به این اندازه به‌طور معناداری ارتقاء دهد؟

-
1. Union of Soviet Socialist Republics (USSR)
 2. Baku
 3. Astrakhan

دریای خزر قسمتی از «بخش زیرین^۱» است^(۲)؛ عبارتی تأکید کننده بر حس آسیب پذیری‌ای که روسیه در طول مرز جنوبی خود احساس می‌کند. منطقه مرزی خزر که مملو از منابع است، دستخوش منازعات مرزی جاری، تهدیدات فراملی و منافع بین‌المللی فزاینده می‌باشد: توسعه کریدورهای حمل و نقل و ارتباطات بین‌المللی در سراسر دریای خزر، بی‌تردید یک مزیت است، اگرچه این واقعیت که آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان کشورهای فاقد دریا بوده و برای صادرات محصولات هیدروکربن خود به بازارهای بین‌المللی به سایر کشورها وابسته هستند، در برابر این امر قرار می‌گیرد. علاوه بر این، موقعیت راهبردی بسیار مهم خزر، پیوند دهنده آسیا و اروپا و فقدان اجماع نظر در میان پنج کشور ساحلی درباره وضعیت حقوقی این دریا، موجب تسهیل عبور چالش‌هایی امنیتی از قبیل تروریسم بین‌المللی، مهاجرت غیر قانونی، جرائم سازمان‌یافته فراملی و قاچاق از آسیای میانه به اروپا می‌شود.

روسیه به‌طور سنتی بزرگ‌ترین قدرت منطقه‌ای بوده و با وجود ظهور بازیگران جدید در منطقه پس از فروپاشی اتحاد شوروی که موجب به چالش کشیده شدن هژمونی روسیه شد همچنان به‌عنوان قدرت اقتصادی و نظامی اصلی در منطقه خزر باقی می‌ماند که تا حد زیادی نتیجه میراث تاریخی است. مسکو منطقه را قلمرو نفوذ انحصاری خود، یا همان‌طور که دمیتری مدودف رئیس‌جمهور سابق روسیه گفته، «منطقه منافع ویژه» روسیه در نظر می‌گیرد و به دنبال ختشی کردن فعالیت فزاینده سایر بازیگران بوده است. بنابراین سیاست‌های روسی در قبال منطقه خزر (و منطقه گسترده‌تر شوروی سابق) بر حفظ نفوذ و حفاظت از منافع سیاسی و اقتصادی آن در منطقه متمرکز است. کشورهای استقلال‌یافته از شوروی سابق در کل در زمینه دنبال کردن سیاست‌هایی که در مقابل منافع روسیه قرار بگیرد محتاط هستند و توانایی سایر بازیگران از قبیل ایالات متحده را برای افزایش همکاری خود با این کشورها محدود می‌کنند. منطقه از حیث روابط روسیه با همسایگان خود در چارچوب گسترده‌تر «جنوب»، منحصر به‌فرد است زیرا محتوی سه دولت سابق

1. southern underbelly (*yuzhnaya podbryush'ye*)

روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟ ■ ۷

اتحاد شوروی است که هیچ یک مایل نیستند به‌طور کامل به مسکو وابسته باشند (به‌عنوان مثال ارمنستان)، اما همچنین میل ندارند به روسیه پشت کنند (همان‌طور که گرجستان تلاش کرده چنین کند). هم آذربایجان و هم قزاقستان به دنبال موازنه روابط خود با روسیه در برابر تعمیق همکاری با غرب به‌منظور حفظ استقلال خود بوده‌اند، در حالی که ترکمنستان در روابط خارجی خود دنباله‌رو سیاست «بی طرفی مثبت» بوده است. آخرین کشور ساحلی، ایران، رقیب تاریخی روسیه است. خود را قدرتی منطقه‌ای در نظر می‌گیرد و با کشورهای همسایه در منطقه، پیوندهای تاریخی، فرهنگی و قومی مهمی دارد که میراث امپراتوری ایران است و موجب پیچیدگی روابط خارجی آن می‌شود. با این حال اگرچه ایران رقیبی برای نفوذ است اما برای مقابله با حضور فزاینده قدرت‌های خارجی در منطقه، به‌ویژه ایالات متحده، دارای تمایلی مشترک با روسیه است.

افزایش منافع ایالات متحده (و اروپا) در منطقه خزر در دهه گذشته منجر به تنش‌های فزاینده میان روسیه و همسایگان جنوبی خود شده است. ایالات متحده، خزر را منطقه راهبردی مهمی در نظر می‌گیرد: همچنین موقعیت ژئواستراتژیک آن، که ایران درست در مسیر جنوب قرار می‌گیرد، منبع مهمی برای هیدروکربن است. برای امنیت اقتصادی غرب به‌طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا کرده است زیرا شرکت‌های نفتی بین‌المللی مقادیر هنگفتی پول برای اکتشاف و توسعه در آن جا، به‌ویژه آذربایجان و قزاقستان، هزینه کرده‌اند. اما گزینه‌های صادراتی محدود، همچنین اتکاء بر شبکه خطوط لوله روسی و کشورهای همسایه، موجب محدود شدن توانایی کشورهای خزر در بهره‌مندی کامل از ذخایر نفتی و گازی گسترده خود شده است. در نتیجه در دهه گذشته بر روی خطوط لوله صادراتی بین‌المللی جدید سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای شده است که به نفوذ روسیه آسیب می‌زند. برخی ناظران روسی، موضوع خطوط لوله در کشورهای فاقد راه‌های آبی در منطقه خزر را «نبرد برای سلطه» به‌ویژه از جانب ایالات متحده توصیف کرده‌اند که «به دنبال تسریع فرآیند جدا کردن سیاسی و اقتصادی جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی از روسیه است»^(۳).

در حالی که این دیدگاه به کشورهای دخیل، آزادی عمل اندکی می‌دهد، بر ظنی تأکید می‌کند که مسکو در قبال نفوذ فزاینده غربی (به‌ویژه ایالات متحده) در منطقه خزر دارد.^(۴)

دریای خزر همچنین در عملیات لجستیک برای پشتیبانی از نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت (نیروهای ائتلاف)^۱ در افغانستان نقشی حیاتی ایفاء می‌کند. به بخشی از مسیر جنوبی شبکه توزیع شمالی^۲ شکل می‌دهد که در سال ۲۰۰۹ به‌منظور رساندن تدارکات نیروها به افغانستان و اجتناب از مسیر خطرناک پاکستان شکل گرفت. شبکه توزیع شمالی در سال ۲۰۱۱، در قیاس با سهم ۳۰ درصدی پاکستان، حدود ۴۰ درصد از حمل و نقل مربوط به افغانستان را انجام داد. مسیر جنوبی از بندر پوتی^۳ در دریای سیاه^۴ در گرجستان آغاز می‌شود، از قفقاز^۵ عبور می‌کند و به باکو در آذربایجان می‌رسد، که کالاها از آن جا از دریای خزر به قزاقستان منتقل می‌شود و سپس توسط راه آهن یا کامیون از ازبکستان به مرز افغانستان برده می‌شود. این مسیر به‌طور تقریبی یک سوم حمل و نقل شبکه توزیع شمالی را انجام می‌دهد. قزاقستان به دنبال توسعه بندر آکتائوی^۶ خود در دریای خزر و تبدیل آن به یک مرکز حمل و نقل منطقه‌ای بوده است. آکتائو به‌عنوان تنها بندر این کشور و توصیف شده تحت عنوان «دروازه دریایی به سوی قزاقستانی مستقل»^(۵) در زنجیره نیروهای ائتلاف نقشی حیاتی ایفاء کرده و اهمیت آن به‌سبب خروج ایالات متحده و سایر مشارکت‌کنندگان در نیروهای ائتلاف بین‌المللی از افغانستان در سال ۲۰۱۴ در حال افزایش است. گزارش‌ها در رسانه‌های روسی حاکی از احتمال ساخت محلی برای انتقال محموله در آکتائو توسط ایالات متحده به‌عنوان راهی برای خروج تجهیزات نظامی خود از افغانستان بود و بر مخالفت روسیه با حضور هر بازیگر خارجی در نظام بسته دریای خزر تأکید می‌کرد. مقاله‌ای در *نزاویسیمایا گازتا*^۷ می‌گوید که اگر آکتائو به پایگاهی برای

-
1. International Security Assistance Force (ISAF)
 2. Northern Distribution Network (NDN)
 3. Poti
 4. Black Sea
 5. Caucasus
 6. Aqtau
 7. Nezavisimaya Gazeta

روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟ ■ ۹

«پنتاگون^۱ و هم پیمانان آن» بدل شود، «ساختار امنیت از پیش شکننده خزر به‌طور مؤثری شکسته خواهد شد»^(۶). مسکو پشتیبانی نظامی محدود ایالات متحده از آذربایجان و قزاقستان در زمینه حمایت آموزشی و تجهیزاتی برای طرح حراست خزر^۲ را تحمل کرده است. اما چشم‌انداز ایجاد احتمالی پایگاهی برای حمل و نقل در آکتائو گامی بسیار فراتر از تحمل روسیه (و ایران) به‌نظر می‌رسد و می‌تواند منجر به افزایش تنش در منطقه شود.

این اثر به‌سبب تلاش مسکو برای خنثی ساختن مداخله فزاینده آمریکا در جایی که مسکو آن را منطقه منافع ویژه خود در نظر می‌گیرد، به بررسی سیاست روسیه در قبال منطقه دریای خزر می‌پردازد و بر توسعه اخیر ناوتیپ خزر و منطق پشت آن تمرکز می‌کند. اهداف اصلی پژوهش، شامل تجزیه و تحلیل تصورات روسیه از تهدید و امنیت در منطقه خزر و ارزیابی پیامدهای آن برای سایر بازیگران می‌شود. اهمیت «جنوب» را در تصور روسیه از امنیت ارزیابی خواهیم کرد و به تجزیه و تحلیل این امر خواهیم پرداخت که آیا نفوذ ایالات متحده / غرب در منطقه خزر به‌عنوان چالشی امنیتی برای مسکو در نظر گرفته می‌شود یا خیر. [این که] از سال ۱۹۹۱ چه گام‌هایی برای توسعه هر گونه نظام امنیتی منطقه‌ای برداشته شده و نقش روسیه در آن چه بوده است. این اثر، بر تحولات بخش انرژی تمرکز کرده و عواقب تقویت سلطه روسیه برای امنیت انرژی و ثبات در منطقه را ارزیابی می‌کند. این موضوع به این دلیل اهمیت دارد که درکی واضح از تفکر راهبردی و تصور روسی از تهدید در دریای خزر، حیاتی است.

دریای خزر و اهمیت آن

به گفته برخی منابع، دریای خزر در طول قرن‌ها به بیش از ۵۰ اسم شناخته شده است.^(۷) ایرانی‌های باستان در زمان‌های مختلف آن را دریای هیرکانی^۳ و پارسی^۴ نامیده‌اند، در حالی که اسناد روسی قدیمی به آن به‌صورت دریای خوالین^۵، به خاطر مردم خوالین که در منطقه

-
1. Pentagon
 2. Caspian Guard
 3. Hyrcanian Sea
 4. Persian Sea
 5. Khvalin Sea

سکونت داشتند، اشاره می‌کنند. سایر نام‌های داده شده به دریا عبارتند از آوار^۱، باکو، آپشرون^۲ و خزر. گمان می‌رود نام [انگلیسی امروزی آن یعنی] «کاسپین^۳» برگرفته از نام قبیله‌ای باستانی، مردم کاسپی^۴، باشد که در ساحل جنوب غربی دریا زندگی می‌کرد.^(۸) علاقه روسیه به خزر به‌طور جدی در طول قرن ۱۷ با توسعه پیوندهای تجاری با ایران شکل گرفت که منجر به گسترش راه‌های کشتیرانی در طول رود وولگا^۵ و پایین‌تر از آن در سراسر دریای خزر شد. این امر موجب تحریک نیاز به توسعه قابلیت دریایی روسیه به‌منظور حفاظت از منافع اقتصادی در منطقه شد و تزار آلکسیس اول^۶ دستور ساخت کشتی‌های نیروی دریایی را صادر کرد. اوریل^۷ اولین کشتی جنگی روسی بود که ساخته می‌شد؛ در سال ۱۶۶۹ تحت فرماندهی کاپیتان هلندی دیوید باتلر^۸ به مقصد آستراخان حرکت کرد.^(۹)

روسیه در طول قرن ۱۸ به دنبال سلطه بر منطقه بود که باعث تأسیس اولین ناوتیپ دریایی خزر آن شد. این ناوتیپ که در سال ۱۷۲۲ توسط پتر کبیر تأسیس شد جزء بسیار مهم توسعه‌طلبی امپراتوری روسیه در منطقه خزر بود. روسیه به‌طور فزاینده‌ای نگران رقابت فزاینده هر دو امپراتوری عثمانی و ایران در جنوب غربی خزر و قفقاز شد.^(۱۰) با بزرگ‌تر شدن امپراتوری، با سایر قدرت‌های امپراتوری در منطقه، عثمانی و ایران، منازعه ایجاد شد. رقابت برای زمین و منابع در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ باعث برخوردهای نظامی مکرر در دریای خزر شد و موجب اهمیت مجدد ناوتیپ دریایی خزر گردید. مسکو مصمم به حفظ راه‌های تجاری پرمفعت خود بود و از متحدان خود در منطقه دفاع کرد، شرایطی که با وضعیت معاصر آن تشابه دارد.

-
1. Avar
 2. Apsheron
 3. Caspian
 4. Caspi
 5. Volga
 6. Tsar Alexis I
 7. Oryel
 8. David Butler

میان رویدادهای تاریخی و شرایط معاصر در منطقه شباهت‌های مهمی وجود دارد و عوامل انگیزه دهنده به علاقه بین‌المللی به دریای خزر، از قرن ۱۸ [تا به حال] تغییر اندکی کرده است: رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای مختلف برای نفوذ، اهمیت ژئواستراتژیک منطقه و ایران که به‌طور مستقیم در مسیر جنوب قرار دارد؛ اهمیت حیاتی عوامل اقتصادی و حفظ دسترسی به منابع طبیعی؛ همچنین مسیرهای تجاری پرمفعت و دغدغه نفوذ سایر بازیگران خارجی در توسعه منطقه. در طول دهه‌های گذشته اهمیت منطقه در چارچوب محیط امنیتی معاصر، به‌ویژه اهمیت سیاسی، راهبردی و اقتصادی برای امنیت غرب، افزایش یافته است. شرکت‌های نفتی بین‌المللی مقادیر هنگفتی پول برای اکتشاف و توسعه منطقه گسترده‌تر خزر خرج کرده‌اند و دریای خزر به مسیر حمل و نقل مهمی برای عملیات‌های لجستیک نیروهای ائتلاف بین‌المللی تبدیل شده است. خزر که از حیث منابع غنی است و در مسیر حمل و نقل شرق - غرب قرار می‌گیرد، در دهه گذشته قادر به جلب علاقه قابل ملاحظه بین‌المللی (به‌ویژه ایالات متحده) شده و تنش میان روسیه و همسایگان جنوبی خود را افزایش داده است. روسیه به‌طور سنتی بزرگ‌ترین قدرت منطقه‌ای بوده و پیوندهای آن با منطقه نیرومند باقی می‌ماند. مسکو منطقه مرزی خزر را قلمرو نفوذ انحصاری خود در نظر می‌گیرد و از افزایش نفوذ سایر بازیگران خارجی از قبیل ایالات متحده، اروپا، ترکیه و ایران ناراحت است که از سال ۱۹۹۱ چالشی مستقیم برای هژمونی روسی در منطقه را به نمایش گذاشته‌اند.

دریای خزر همچنین مکان توسعه کشتی‌های جنگی امپراتوری روسیه به‌منظور دفاع از منافع ملی و تجاری خود در طول قرن‌های ۱۷ و ۱۸ است که منجر به توسعه نیروی دریایی گردید. دکترین دریایی فعلی روسیه، که در سال ۲۰۰۱ تصویب شد و دورنمای آن تا سال ۲۰۲۰ است، نیروی دریایی را به‌صورت «ابزار سیاست خارجی... با نیت حفاظت از منافع فدراسیون روسیه و متحدان آن» توصیف می‌کند.^(۱۱) در ادامه، روسیه را «از نظر تاریخی... یک قدرت دریایی راهبر» توصیف می‌کند که پیامد «خصوصیت‌های فضایی و جغرافیایی» کشور است و دریای خزر را از حیث «حجم و کیفیت» منابع معدنی و زیستی خود به‌عنوان منطقه‌ای منحصر به‌فرد شناسایی می‌کند. این امر در نقش ناوتیپ خزر

۱۲ ■ روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟

منعکس می‌شود که علاوه بر حفاظت از کشتیرانی روسی، از تأسیسات روسی که در خارج از خشکی به تولید هیدروکربن مشغول هستند در برابر تهدیدات محافظت می‌کند و بر استخراج منابع هیدروکربن و زیستی (از قبیل خاویار) در مناطق مورد منازعه در دریا نظارت می‌کند. اهداف سیاست دریایی روسیه در دریای خزر عبارتند از:

- ایجاد رژیم حقوقی در دریای خزر که از حیث بهره‌برداری از منابعی از قبیل ماهی و هیدروکربن مطلوب روس‌ها باشد؛
- حفاظت از محیط دریایی با همکاری سایر کشورهای ساحلی؛
- ایجاد شرایطی برای ساخت پایگاه و بهره‌برداری از تمام نیروهای بالقوه نیروی دریایی / کشتیرانی؛
- نوسازی ناوگان تجاری، ترکیبی (رودخانه‌ای - دریایی) و ماهیگیری؛
- جلوگیری از خروج ناوگان روسی از بازار حمل و نقل دریایی؛
- سازماندهی خدمات حمل و نقل دریایی به‌عنوان بخشی از شبکه حمل و نقل «بین‌المللی» با دسترسی به دریاهای مدیترانه و بالتیک؛
- توسعه، بازسازی و تخصصی کردن بنادر موجود.^(۱۲)

این اثر، از این اهداف سیاستگذاری دریایی، به‌ویژه سه مورد اول، به‌عنوان چارچوبی برای تجزیه و تحلیل اهمیت منطقه دریای خزر برای روسیه و علاوه بر این، درک انگیزه‌ها برای توسعه‌طلبی و ارتقاء قابلیت‌های ناوتیپ خزر استفاده می‌کند. کار خود را پیش از ارزیابی همکاری و موانع پیش رو همکاری میان کشورهای ساحلی، با برآوردی از منابع دریا، هم هیدروکربن و هم خاویار، اهمیت دریای خزر برای امنیت روسیه و توسعه قابلیت‌های نیروی دریایی در آن جا آغاز می‌کند.

منابع خزر

ذخایر نفت و گاز

دریای خزر، با توسعه ذخایر نفتی در آذربایجان (بخشی از امپراتوری روسیه) در پایان قرن ۱۹، مکان اولین صنعت نفت تجاری جهان بود. پیرو فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، منطقه خزر به خاطر ذخایر هیدروکربن بالقوه خود به عنوان خاورمیانه آینده معرفی شد. اما خوشی و خوش بینی همراه با مداخله اولیه سرمایه‌گذاران خارجی در منطقه به سبب شرایط دشوار عملیاتی، هم سیاسی و هم بوم شناختی، کاهش یافته است. اگرچه خزر به عنوان خاورمیانه جدید معرفی شده اما ذخایر اثبات شده فعلی حاکی از شباهت بیشتری با دریای شمال^۱ است تا خلیج فارس.

حوضه‌های آبی شمالی و جنوبی خزر، تفاوت زیادی دارد. شمال دارای آب‌های کم‌عمق است که در ماه‌های زمستانی با یخ احاطه می‌شود و برای شرکت‌های انرژی، چالش فنی جدی ایجاد می‌کند. همچنین محل پرورش ماهی خاویاری است. منطقه جنوب دریای خزر عمیق‌تر است اما استخراج نفت از آن دشوار نیست و به احتمال استعداد بالقوه بیشتری برای گاز دارد. حفاری اکتشافی در حوضه جنوبی خزر به‌طور چشمگیری موجب کاهش برآوردهای توان بالقوه نفتی در آینده شده و شرکت‌های خارجی شروع به انجام رفتارهای معتدل‌تر در قبال توسعه ذخایر هیدروکربن خزر کرده‌اند. در رابطه با منابع هیدروکربن، منابع نفتی به‌طور برجسته‌ای در غرب قزاقستان و دریای خزر متمرکز می‌شوند و در ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان ذخایر بزرگ گاز طبیعی یافته شد (نک. جدول شماره ۱).

1. North Sea

کشور	ذخایر نفتی ثابت شده (میلیارد بشکه)	درصد سهم از مجموع جهانی	ذخایر گازی اثبات شده (هزار میلیارد متر مکعب)	درصد سهم از مجموع جهانی	نرخ ذخیره به نسبت تولید	درصد سهم از مجموع جهانی
آذربایجان	۷/۰ (۷/۰)	۰/۴ (۰/۴)	۰/۹ (۱/۳)	۲۱/۹ (۲۴/۱)	۵۷/۱ (۷۴/۴)	۰/۵ (۰/۷)
قزاقستان	۳۰/۰ (۳۰/۰)	۱/۸ (۱/۸)	۱/۳ (۱/۱)	۴۷/۴ (۴۴/۸)	۶۵/۶ (۴۲/۲)	۰/۷ (۰/۶)
روسیه	۸۷/۲ (۱۰۶/۲)	۵/۲ (۶/۳)	۳۲/۹ (۳۵/۰)	۲۲/۴ (۲۵/۸)	۵۵/۶ (۵۵/۰)	۱۷/۶ (۱۸/۱)
ترکمنستان	۰/۶ (۰/۶)	- (کمتر از ۰/۰۵ درصد)	۱۷/۵ (۱۹/۵)	۷/۴ (۶/۴)	- (۳۱۴/۱)	۹/۳ (۱۰/۱)
عربستان	۲۶۵/۹ (۲۶۶/۲)	۱۵/۹ (۱۵/۷)	۸/۲ (۸/۰)	۶۳ (۶۱/۰)	۸۰/۱ (۷۲/۱)	۴/۴ (۴/۲)
ایران	۱۵۷ (۱۵۷/۲)	۹/۴ (۹/۳)	۳۳/۶ (۳۳/۲)	- (۶۸/۱)	- (۱۴۸/۴)	۱۸/۰ (۱۷/۲)

جدول شماره ۱: مقایسه ذخایر اثبات شده در خزر و خاورمیانه، ۲۰۱۲^(۱۳)

توضیحات: ارقام داخل پرانتز، نسخه به‌روز شده ۲۰۱۸ توسط مترجم از همان منبع است.

قزاقستان، که نفت در آن بیش از ۱۰۰ سال پیش کشف شد، بزرگ‌ترین ذخایر نفتی قابل بازیافت در منطقه دریای خزر را دارد. بر اساس گزارش بررسی آماری انرژی جهانی^۲ شرکت بریتیش پترولیوم^۳ که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد این کشور در سال ۲۰۱۲ دارای ۳۰

1. "BP Statistical Review of World Energy," *British Petroleum*, September, 2016, available from <http://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/energy-economics/statistical-review-2016/bp-statistical-review-of-world-energy-2016-full-report.pdf>

2. Statistical Review of World Energy

3. British Petroleum (BP)

میلیارد بشکه ذخایر نفتی اثبات شده است و در حال تولید ۱/۷ میلیون بشکه در روز است که آن را به تولید کننده‌ای بزرگ تبدیل می‌کند. ذخایر گازی اثبات شده قزاقستان در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۱/۳ هزار میلیارد متر مکعب بود که بخش اعظم آن در غرب کشور قرار دارد.^۱ به گفته آژانس اطلاعات انرژی^۲ ایالات متحده، حدود ۸۰ درصد از مجموع ذخایر گازی این کشور فقط در چهار میدان وجود دارد: کاراچاگاناک^۳، تنگیز^۴، ایماشوسکویه^۵ و کاشاگان^۶.

نفت بیشتر در غرب کشور، هم در داخل و هم خارج از خشکی وجود دارد. تولید فعلی تحت سلطه دو میدان خاکی بسیار بزرگ تنگیز و کاراچاگاناک است که در مجموع بیش از ۴۰ درصد از مجموع خروجی کشور در سال ۲۰۱۳ را تولید کردند.^(۱۴) تنگیز بزرگ‌ترین میدان قزاقستان است و تولید روزانه آن بیش از ۵۰۰ هزار بشکه می‌باشد. توسط شرکت تنگیزشور اوایل^۷ اداره می‌شود که سرمایه‌گذاری مشترکی شامل شرکت‌های نفتی بزرگ آمریکایی شوران^۸ و اگزان موبیل^۹ به همراه کازمونای گاز^{۱۰} و لوک آرکو^{۱۱} است.^(۱۵) کاراچاگاناک حدود ۱۲ درصد از مجموع تولید نفت در سال ۲۰۱۳ را به عهده دارد. مجری آن، شرکت عملیاتی کاراچاگاناک پترولیوم^{۱۲} شامل بی جی^{۱۳}، ای.ان.آی.^{۱۴}، شوران و لوک اوایل^{۱۵} می‌باشد.^(۱۶)

۱. بر اساس اطلاعات نسخه ۲۰۱۸ این منبع، قزاقستان در پایان سال ۲۰۱۷ دارای ۳۰ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت، قابلیت تولید ۳۱۱ هزار بشکه نفت در روز و دارای ۱/۱ هزار میلیارد متر مکعب ذخایر اثبات شده گازی بود. م.

2. Energy Information Agency (EIA)
3. Karachaganak
4. Tengiz
5. Imashevskoye
6. Kashagan
7. Tengizchevroil (TCO)
8. Chevron
9. ExxonMobil
10. KazMunaiGaz
11. LukArco
12. Karachaganak Petroleum Operating (KPO)
13. BG
14. ENI
15. Lukoil

برآورد می‌شود که دو سوم تولید نفت در آینده از حوضه شمالی خزر، بیشتر در میدان خشکی عظیم کاشاگان خواهد بود که توسط کنسرسیوم شرکت عملیاتی نورث کسپین^۱ متشکل از کازمونای گاز، شل^۲، ای. ان. آی.، اگزان موبیل، توتال^۳، اینپکس^۴ و شرکت ملی نفت چین^۵ توسعه می‌یابد. گمان می‌رود کاشاگان یکی از بزرگ‌ترین میادین شناخته شده در خارج از خاورمیانه باشد و به صورت «بزرگ‌ترین اکتشاف نفتی جهان در پنج دهه [گذشته]» توصیف می‌شود.^(۱۷) امید می‌رود که شاخص معتبری از عرضه بالقوه نفت خزر را ارائه خواهد کرد: حفاری اکتشافی نشان داده که این میدان محتوی ۳۵ میلیارد بشکه نفت است که ۲۵ درصد از آن (۹ - ۷ میلیارد بشکه) قابل تولید است. تولید بارها با تأخیر همراه بوده است که بیشتر به علت شرایط عملیاتی دشوار است. انتظار می‌رفت اولین تولید خود را در بهار سال ۲۰۱۴ انجام دهد که تولید از ۱۸۰ هزار بشکه در مرحله اول به ۳۷۰ هزار بشکه در مرحله دوم افزایش می‌یافت. این میدان که در آب‌های کم‌عمق واقع شده که در زمستان منجمد می‌شوند، موجب آسیب دیدن تجهیزات و دشوار شدن نگهداری می‌گردد، همچنین سولفید هیدروژن تولید می‌کند که سمی است. نفوذ گاز به داخل آب در اکتبر سال ۲۰۱۳ موجب تأخیر بیشتر عملیات و افزایش نگرانی‌ها درباره خسارت زیست‌محیطی احتمالی شد. توسعه «ابر میادین» قزاقستان برای رشد اقتصادی بلند مدت کشور اهمیت بسیار دارد و به‌طور خاص، کاشاگان برای هدف کشور در افزایش خروجی نفت خام خود به ۶۰ درصد تا پایان این دهه حیاتی است. کاشاگان تنها «ابر میدان نفتی» دریایی است و بنابراین تنها موردی می‌باشد که در حال حاضر به‌طور مستقیم به دریای خزر مربوط است.

در سال ۲۰۱۳ شرکت ملی نفت چین ۸/۳۳ درصد از سهام کنسرسیوم کاشاگان را به مبلغ ۵ میلیارد دلار خریداری کرد.^(۱۸) این خرید بخشی از سلسله معاملات مورد پذیرش رئیس‌جمهور چین شی جینگ پینگ^(۱۹) در خلال دیداری از آسیای میانه به‌منظور تضمین

-
1. North Caspian Operating Company (NCOC)
 2. Shell
 3. Total
 4. Inpex
 5. China National Petroleum Corporation (CNPC)
 6. Xi Jinping

دسترسی به هیدروکربن منطقه بود و نماد حضور فزاینده چین در منطقه به شمار می‌رود. این معامله همچنین حاکی از رقابت جاری برای نفوذ در منطقه به‌ویژه بر سر دسترسی به هیدروکربن است: شرکت ملی نفت چین رقیب هندی خود شرکت نفت و گاز طبیعی^۱ را در خرید سهام که تا ژوئیه سال ۲۰۱۳ در اختیار کونوکو فیلیپس^۲ شرکت نفتی بزرگ آمریکایی بود شکست داد. ذخایر گسترده هیدروکربن قزاقستان موجب تحریک علائق بین‌المللی گسترده‌ای شده و حضور بازیگران خارجی در منطقه خزر را افزایش داده و نفوذ روسیه را کاهش می‌دهد. در حالی که کشور تا به این جا قادر به موازنه موفقیت‌آمیز میان روابط خود با مسکو، غرب و پکن شده، منافع و تصورات متنازع آن‌ها درباره امنیت می‌تواند در میان مدت تا بلند مدت موجب تخریب ثبات شود و قزاقستان نیازمند توسعه نیروی دریایی خود به‌منظور توانایی برای نشان دادن نیت خود برای حفاظت از منافع خود در دریای خزر خواهد بود.

بخش ساحلی آذربایجان در دریای خزر نیز ذخایر هیدروکربن چشمگیری دارد، هرچند شواهدی دال بر این وجود دارد که ممکن است بیشتر محتوی گاز باشد تا نفت. اکتشافات اخیر در بخش آذربایجانی دریای خزر، به استثناء ناحیه آذری - چراغ - گونشلی^۳ به رهبری بریتیش پترولیوم، ناامیدکننده بوده و چاه‌های متعددی بسته شده‌اند. در سال ۲۰۱۲ میزان ذخایر ثابت شده نفت خام آذربایجان ۷ میلیارد بشکه برآورد شد (نک. جدول شماره ۱). بزرگ‌ترین حوضه‌های هیدروکربنی کشور در دریا قرار دارد و بخش اعظم نفت آن در حال حاضر در میدان آذری - چراغ - گونشلی تولید می‌شود. معامله ۸ میلیارد دلاری‌ای که موجب تأسیس شرکت بین‌المللی عملیاتی آذربایجان^۴ به رهبری بریتیش پترولیوم به‌منظور توسعه میدان آذری، چراغ و گونشلی در دریا شد در سال ۱۹۹۴ منعقد گردید. این معامله که «قرارداد قرن» نامیده شد اولین موافقتنامه بین‌المللی نفتی حکومت آذربایجان با کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی جهانی بود و مبین ورود آذربایجان به بازار بین‌المللی انرژی گردید. این کنسرسیوم بزرگ‌ترین پروژه بین‌المللی در آذربایجان است و

-
1. Oil and Natural Gas Company (ONGC)
 2. ConocoPhillips
 3. Azeri-Chirag-Guneshli (ACG)
 4. Azerbaijan International Operating Corporation

۱۸ ■ روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟

متشکل از سه میدان با مجموع ذخایر برآورده شده حداقل ۵/۴ میلیارد بشکه نفت قابل بازیافت می‌باشد.^(۲۰) انتظار می‌رود مجموع تولید نفت آذربایجان در سال ۲۰۱۲ به اوج برسد و داده‌های اخیر حاکی از آن است که تولید در چند سال اخیر کاهش یافته است (نک. جدول شماره ۲).

کشور	تولید نفت (هزار بشکه در روز)	درصد تغییر به نسبت سال گذشته	درصد سهم از مجموع جهانی	تولید گاز (میلیارد متر مکعب [در سال])	درصد تغییر به نسبت سال گذشته	درصد سهم از مجموع جهانی
آذربایجان	۸۷۲ (۷۹۵)	-۵/۲ (-۵/۱)	۱/۱ (۰/۹)	۱۵/۶ (۱۷/۷)	+۵/۱ (-۲/۷)	۰/۵ (۰/۵)
قزاقستان	۱۷۲۸ (۱۸۳۵)	-۱/۶ (+۱۰/۸)	۲/۰ (۲/۰)	۱۹/۷ (۲۷/۱)	+۲/۰ (+۱۸/۶)	۰/۶ (۰/۷)
روسیه	۱۰۶۴۳ (۱۱۲۵۷)	+۱/۲ (-۰/۱)	۱۲/۸ (۱۲/۲)	۵۹۲/۳ (۶۳۵/۶)	-۲/۷ (+۸/۲)	۱۷/۶ (۱۷/۳)
ترکمنستان	۲۲۲ (۲۵۸)	+۲/۵ (+۱/۹)	۰/۳ (۰/۳)	۶۴/۴ (۶۲/۰)	+۷/۸ (-۷/۱)	۱/۹ (۱/۷)
عربستان	۱۱۵۳۰ (۱۱۹۵۱)	+۳/۷ (-۳/۶)	۱۳/۳ (۱۲/۹)	۱۰۲/۸ (۱۱۱/۴)	+۱۱/۱ (+۶/۱)	۳/۰ (۳/۰)
ایران	۳۶۸۰ (۴۹۸۲)	-۱۶/۲ (+۸/۲)	۴/۲ (۵/۴)	۱۶۰/۵ (۲۲۳/۹)	+۵/۴ (+۳/۰)	۴/۸ (۶/۱)

جدول شماره ۲: مقایسه تولید نفت و گاز در دریای خزر و خاورمیانه، ۲۰۱۲^(۲۱)
توضیحات: ارقام داخل پرانتز، نسخه به‌روز شده ۲۰۱۸ توسط مترجم از همان منبع است.

1. "BP Statistical Review of World Energy," *British Petroleum*, September, 2016, available from <http://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/energy-economics/statistical-review-2016/bp-statistical-review-of-world-energy-2016-full-report.pdf>

میدان آذری - چراغ - گونشلی همچنین مقادیر چشمگیری گاز طبیعی تولید می‌کند. ذخایر گاز طبیعی آذربایجان در سال ۲۰۱۲ به میزان ۰/۹ هزار میلیارد متر مکعب^۱ برآورد شد که مانند نفت، بخش اعظم گاز طبیعی آذربایجان از تعداد اندکی از میداین در خزر تولید می‌شود: آذری - چراغ - گونشلی و شاه دنیز^۲. شاه دنیز که در ۹۶/۵ کیلومتری جنوب شرقی باکو در دریای خزر قرار دارد، به گفته مجری آن بریتیش پترولیوم، یکی از بزرگ‌ترین میداین محتوی گاز متراکم در جهان است و بیش از ۱ هزار میلیارد متر مکعب گاز دارد. مرحله اول توسعه میدان، کار خود را در سال ۲۰۰۶ آغاز کرد و ظرفیت تولید سالانه آن ۹ میلیارد متر مکعب بود.^(۲۲) شاه دنیز اهمیت دارد زیرا تنها توسعه میدانی عمده در دریای خزر است که با وجود این حقیقت مورد اشاره در گذشته که منطقه به‌احتمال، بیشتر مستعد گاز است تا نفت، به جای نفت در اصل بر گاز طبیعی متمرکز است. به استثناء شاه دنیز سرمایه‌گذاری خارجی در بخش هیدروکربن آذربایجان (و در سراسر خزر) بر روی پروژه‌های نفتی تمرکز یافته که مستلزم هزینه سرمایه اندکی در قیاس با پروژه‌های گاز طبیعی و سرمایه‌گذاری کمتری در زیرساخت‌ها برای آغاز این پروژه‌ها است. همچنین نفت در قیاس با گاز طبیعی که در کل پیش از آغاز تولید، نیازمند وجود موافقتنامه‌های عرضه است، کالایی تجاری‌تر می‌باشد.

ترکمنستان دارای برخی از بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی جهان و نیز ذخایر چشمگیر نفت است، هرچند توان آن در بهره‌برداری از این ذخایر عظیم هیدروکربن محدود شده است. ذخایر گازی ثابت شده آن در سال ۲۰۱۲ بیش از ۱۷/۵ هزار میلیارد متر مکعب، شامل ۹ درصد از مجموع ذخایر گاز طبیعی جهانی بود^۳، که بخش اعظم آن در خشکی و در شرق کشور قرار دارد؛ مقادیر موجود در دریای خزر اندک است. در حالی که بررسی مستقلی از میدان یولوتان جنوبی - عثمان^۴ ترکمنستان در سال ۲۰۰۸ مقادیر عظیمی از گاز طبیعی را نشان داد و پیشنهاد کرد که ممکن است این میدان یکی از پنج میدان بزرگ جهان

۱. این رقم در ۲۰۱۷ به ۱/۳ هزار میلیارد متر مکعب رسید. م.

2. Shah Deniz

۳. این رقم در ۲۰۱۷ به ۱۹/۵ هزار میلیارد متر مکعب و ۱۰/۱ درصد از مجموع ذخایر جهان رسید. م.

4. South Yolotan-Osman

باشد، رئیس جمهور ترکمنستان در سال ۲۰۰۹ سران چندین اداره مهم گازی را به علت «دروغگویی» درباره داده‌های ذخایر گاز طبیعی برکنار کرد.^(۲۴) همچنین ادعا می‌شود که در آن نواحی از دریای خزر که در رابطه با مالکیت آن با آذربایجان منازعه وجود دارد، بیشتر در میدان سردار^۱ (که توسط آذربایجان کیاپاز^۲ نامیده می‌شود)، ذخایر گازی چشمگیری وجود داشته باشد که در منطقه مرزی دریایی میان دو کشور قرار دارد و برآورد ذخایر [نفتی] قابل بازیافت آن ۷۰۰ - ۳۷۰ میلیون بشکه است. با وجود تلاش ترکمنستان برای حکمیت بین‌المللی برای رفع منازعه مرزی، این موضوع به همراه ادعای ترکمنستان مبنی بر سهم میادین آذری و چراغ که توسط آذربایجان در حال توسعه داده شدن هستند (و توسط ترکمنستان خزر و عثمان نامیده می‌شوند) هنوز رفع نشده است.

تولید نفت و گاز روسیه در دریای خزر محدود است: اگرچه گمان می‌رود ممکن است روسیه در بخش خود در دریای خزر دارای ذخایر هیدروکربن معادل ۳۲ میلیارد بشکه نفت باشد، اکتشافات امروزه محدود شده‌اند. شرکت نفتی بزرگ روسی، لوک اوپل در سال‌های ۲۰۰۵ - ۱۹۹۹ شش میدان نفتی و گازی در بخش شمالی خزر کشف کرد که مجموع ذخایر آن ۴/۷ میلیارد بشکه برآورد می‌شد. شرکت در سال ۲۰۱۰ شروع به توسعه میدان دریایی یوری کورچاگین^۳ کرد که به‌طور تخمینی محتوی ۲۷۰ میلیون بشکه نفت و بیش از ۶۳ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی است.^(۲۵) اشاره به این امر اهمیت دارد که بخش روسیه در آمار جدول شماره ۱، کل کشور را شامل می‌شود نه فقط ذخایر آن در بخش خود در دریای خزر را.

ذخایر بالقوه هیدروکربن در بخش ایرانی دریای خزر تا حد زیادی کشف نشده باقی مانده و از جانب ایران تولید چشمگیری در دریای خزر صورت نمی‌گیرد. به گفته شرکت ملی نفت ایران، میدان سردار جنگل در دریای خزر محتوی ذخایر چشمگیری به ارزش بیش از ۵۰ میلیارد دلار است.^(۲۶) ایران در پایان سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که این میدان را کشف کرده و مدعی شد محتوی حداقل ۱/۴ هزار میلیارد متر مکعب گاز طبیعی و ۱۰۰

1. Serdar
2. Kyapaz
3. Yury Korchagin

میلیون بشکه نفت است.^(۲۷) با وجود این بیانیه‌های خوش بینانه، اکتشاف و تولید ایران در خزر بسیار محدود است که تا حد زیادی ناشی از عمیق بودن بخش دریایی خود و بنابراین دشواری اکتشاف در آن با فناوری‌های کنونی خود است. تحریم‌های ایالات متحده و اروپا موجب محدود شدن فعالیت شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی در این کشور و در نتیجه، [محدودیت] دسترسی ایران به جدیدترین فناوری‌های تولید شده است. علاوه بر این دریای خزر برای ایران اهمیتی برابر با سایر کشورهای ساحلی ندارد: ایران در اماکن دیگر دارای ذخایری است که تولید و انتقال در آن‌ها به بازارهای بین‌المللی، راحت‌تر و ارزان‌تر است. اما ایران تا زمانی که در بخش خود به‌طور کامل اکتشاف انجام ندهد، به‌احتمال میلی به متعهد شدن به هر گونه توافق مشترک درباره وضعیت حقوقی دریای خزر ندارد (که بعدها در این زمینه بحث می‌شود).

خطوط لوله

آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان دارای ذخایر قابل ملاحظه هیدروکربن هستند و امیدوارند به بازیگران عمده بازار جهانی انرژی بدل شوند. اما حتی اگر تولید هیدروکربن را افزایش دهند همچنان با چندین مانع پایدار روبرو می‌شوند: دشواری انتقال تولیدات از منطقه دورافتاده و بدون راه آبی خزر به بازارهای بین‌المللی پرمفعت، به همراه جایگاه حقوقی نامشخص دریای خزر. زیرساخت‌های صادراتی منطقه دریای خزر همچنان ناکافی است و توسعه ظرفیت صادراتی بیشتر برای رشد تولید در آینده حیاتی است. گزینه‌های محدود برای صادرات و همچنین اتکاء بر شبکه خطوط لوله روسیه و کشورهای همسایه تاکنون موجب محدود ماندن توانایی کشورهای ساحلی خزر در بهره‌مندی از ذخایر نفتی و گازی گسترده خود شده است. در دوران اتحاد شوروی، مسیر زیرساخت‌های خطوط لوله، برای مناطق تولید کننده نفت در شوروی موضوعی برجسته نبود - خطوط لوله به‌منظور رفع نیازهای کشور ساخته می‌شد و بنابراین جمهوری‌هایی از قبیل آذربایجان و قزاقستان بخشی از شبکه ملی بودند که در کل به سمت غرب روسیه و مسکو جریان داشت. اما استقلال به معنای اهمیت یافتن پرسش چگونگی انتقال نفت و گاز از منطقه‌ای

به نسبت مزوی به بازارهای جهانی، به صدر دستور کار تولیدکنندگان در منطقه خزر بود. کشورهای منطقه تا یک دهه پیش بر شبکه خطوط لوله روسیه به مصرف کنندگان شرق اروپا متکی بودند و به استقلال سیاسی و اقتصادی خود آسیب می‌زدند و به مسکو اهرم فشار مهمی می‌دادند. حیدر علی اف^۱ رئیس جمهور [وقت] آذربایجان در سال ۱۹۹۷ اعلام کرد که کشور وی برای انتقال نفت خود «دیگر آماده اتکاء کامل بر مسکو نیست».^(۲۸) در نتیجه، در دهه گذشته سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای بر روی خطوط لوله صادراتی بین‌المللی شده است که منجر به توسعه کریدور نفت و گاز جنوبی میان دریاهای خزر و مدیترانه شده و مزایای اقتصادی و امنیتی چشمگیری فراهم کرد. خطوط لوله پایدار بوده و بر روابط سیاسی تأکید کننده بر اهمیت هیدروکربن در دوران معاصر اثر می‌گذارند. شبکه ایستای خطوط لوله که هم اکنون اروپا را تغذیه می‌کنند منعکس کننده وضعیت ژئوپلیتیکی جنگ سرد است، در حالی که پیوندهای جدید بیانگر تغییر ژئوپلیتیکی می‌باشد.

امروزه تمرکز بر زیرساخت‌های صادرات نفت بوده است که نماد آن پروژه بلندپروازانه باکو - تفلیس - جیحان^۲ است؛ عنصری حیاتی در افزایش تولید نفت در حوضه خزر.^(۲۹) خط لوله این پروژه اهمیت نمادین قابل ملاحظه‌ای دارد و پیوندی مستقیم میان منطقه خزر و اروپا ایجاد می‌کند. ساخت آن به‌طور معناداری موجب تغییر موازنه قدرت در منطقه شده و استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهایی از قبیل آذربایجان و گرجستان را افزایش داده و ضمن کاهش نفوذ روسیه، به تقویت فعالیت بازیگران غربی از قبیل اروپا و ایالات متحده می‌پردازد. با این حال قزاقستان و ترکمنستان، تولیدکنندگان ساحل شرقی خزر برای رساندن هیدروکربن خود به بازارهای غربی، هنوز تا حد زیادی بر شبکه خطوط لوله روسیه متکی هستند.^(۳۰)

قزاقستان از حیث مسیر به دنبال باز نگه داشتن گزینه‌های خود بوده است. خط لوله قزاقستان - چین که اولین محموله نفتی خود را در سال ۲۰۰۹ منتقل کرد نماد روابط در حال تقویت پکن با آسیای میانه (و اولین خط لوله بین‌المللی چین) است، هرچند تمام

1. Heydar Aliyev

2. Baku-Tbilisi-Ceyhan (BTC)

مسیرهای خط لوله که از قزاقستان به سمت غرب خارج می‌شوند از خاک روسیه عبور می‌کنند. بخش اعظم نفت قزاقستان از طریق شبکه خطوط لوله روسیه (و چین) صادر می‌شود که شامل انتقال از خزر به پایانه‌هایی در ماخاچکالا^۱ و تامان^۲ و سپس به بندر نووروسییسک^۳ روسیه در دریای سیاه می‌شود. قزاقستان پیرو توافقنامه‌ای دو جانبه با آذربایجان در سال ۲۰۰۶ نفت خود را از طریق پروژه باکو - تفلیس - جیحان به بازارهای بین‌المللی صادر کرده است. حمل و نقل نفت قزاقستان از طریق خط لوله باکو - تفلیس - جیحان از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ به مجموع ۲/۲ میلیون تن رسید، اما قزاقستان پس از عدم توافق بر سر شرایط حمل و نقل به سایر مسیرهای صادراتی متوسل شد. در سال ۲۰۱۳ گزارش شد که نفت قزاقستان به‌طور مجدد از طریق باکو - تفلیس - جیحان صادر خواهد شد: تنگیزشور اویل، مجری میدان تنگیز، اعلام کرد ماهانه از طریق خط لوله، ۴۰۰ هزار تن صادر خواهد کرد و نفت را در خزر از طریق نفتکش جابجا می‌کند.^(۳۱) موافقتنامه همچنین شامل تمهیدی برای افزایش حمل و نقل نفت قزاقستان از طریق باکو - تفلیس - جیحان به حدود ۲۰ درصد از ظرفیت کلی خط لوله تا سال‌های ۲۰۲۰ - ۲۰۱۸ به محض اجرای مرحله دوم تولید در میدان کاشاگان بود. انتظار می‌رود با به اوج رسیدن روند تولید در کاشاگان، صادرات نفت قزاقستان دو برابر شود که موجب لزوم گسترش چشمگیر ظرفیت زیرساخت‌های صادراتی، شامل استفاده بیشتر از مسیرهای باکو - تفلیس - جیحان و نفتکش‌های بین خزر، می‌شود.

قزاقستان برای توسعه سامانه حمل و نقل خزر قزاق^۴ با آذربایجان یادداشت تفاهمی امضاء کرده، اما پیشرفت‌ها اندک بوده است. میان کازمونای گاز و سوکار^۵ (شرکت‌های ملی نفت قزاقستان و آذربایجان) با مجریان میدین کاشاگان و تنگیز، به‌منظور توسعه مسیرهای حمل و نقل نفت برای تحویل نفت خام از این دو میدان به باکو - تفلیس - جیحان و

-
1. Makhachkala
 2. Taman
 3. Novorossiysk
 4. Kazakh Caspian Transportation System (KCTS)
 5. SOCAR

۲۴ ■ روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟

سپس بازارهای جهانی توافقنامه امضاء شد.^(۳۲) سامانه حمل و نقل خزر قزاق، سامانه‌ای یکپارچه و متشکل از خط لوله‌ای برای انتقال نفت خام از اسکنه^۱ و تنگیز به پایانه‌ای نفتی در کوریک^۲ در بخش ساحلی قزاقستان در دریای خزر است؛ نفتکش‌ها و کشتی‌ها نفت خام را به آن طرف خزر و به سوی یک پایانه تخلیه در ساحل آذربایجان حمل می‌کنند و تأسیسات را به باکو - تغلیس - جیحان متصل می‌کنند. موافقتنامه اصلی پیش بینی کرد که پروژه در سال‌های ۲۰۱۴ - ۲۰۱۳ عملیاتی شود و در ابتدا سالانه تا ۲۳ میلیون تن نفت خام منتقل کند و تا ۳۶ میلیون تن افزایش یابد. اما در سال ۲۰۱۰ کازمونای گاز اعلام کرد که اجرای نظام حمل و نقل خزر قزاق به سبب تأخیر در پروژه کاشاگان، که قرار نیست در سریع‌ترین زمان تا سال ۲۰۱۴ از سر گرفته شود، به تعویق می‌افتد.^(۳۳) با این حال قزاقستان همان‌طور که در گذشته گفته شد همچنان به انتقال نفت خام در خزر و صادرات آن از طریق آذربایجان می‌پردازد. وزارت انرژی آذربایجان انتظار دارد در سال ۲۰۱۴ میزان ۴ میلیون تن نفت خام قزاق از طریق خاک این کشور صادر شود.^(۳۴)

سه تولیدکننده عمده ساحلی نفت و گاز - آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان - نیازمند توسعه قابلیت‌های دریایی خود به منظور توانمندی برای حفاظت از منافع خود در دریای خزر، شامل میدین کاوش نشده، تأسیسات تولید و زیرساخت‌های حمل و نقل از قبیل نفتکش‌ها، هستند. روسیه از قبل بر زیرساخت‌های صادرات انرژی سلطه داشته که به این کشور توان نفوذ بیش از حد می‌دهد و سرمایه‌گذاری آن بر ناوتیپ خزر (که نقش آن شامل نظارت بر استخراج هیدروکربن در مناطق مورد منازعه در دریا نیز می‌شود) حاکی از میل به حفظ و به احتمال، گسترش این نفوذ است. برخی ناظران روسی، سال ۲۰۲۱ را سال موضوع خطوط لوله در منطقه خزر فاقد راه آبی اعلام کرده‌اند که به مثابه «جنگی برای سلطه» است، به‌ویژه از جانب ایالات متحده که «به دنبال تسریع روند کاهش انزواء سیاسی و اقتصادی جمهوری‌های شوروی سابق از روسیه» است.^(۳۵) در حالی که این دیدگاه به کشورهای دخیل استقلال عمل اندکی می‌دهد، بر تردیدی تأکید دارد که مسکو با آن نظاره

گر نفوذ فزاینده غربی (به‌ویژه ایالات متحده) در منطقه خزر است. موفقیت‌های روسیه از قبیل خط لوله گاز زیر دریایی بلو استریم^۱ نتیجه «شکست راهبرد خط لوله آمریکایی در قفقاز و در کل آسیای میانه» در نظر گرفته می‌شود.^(۳۶) میان حامیان مسیرهای صادراتی روسی و غیر روسی دودستگی بزرگی ایجاد شده که از نیروی بالقوه ایجاد خطوط جدا کننده جدیدی در این منطقه از پیش بی‌ثبات برخوردار است. سرگی لاوروف^۲ وزیر خارجه روسیه در مارس سال ۲۰۰۸ اظهارات درباره نقشه‌های اروپایی برای کریدور جنوبی به‌منظور انتقال انرژی از دریای خزر را به باد انتقاد گرفت و پیشنهاد برای خط لوله چندین میلیون دلاری ناباکو^۳ به طول ۳۹۰۰ کیلومتر که ترکیه را به اتریش متصل می‌کند «پروژه‌ای به وضوح مصنوعی» نامید. وی اعلام کرد که روسیه:

«پاسخ‌هایی دارد که از نظر اقتصادی، مؤثرتر است و در حال محقق کردن آن‌ها هستیم. بلو استریم عملیاتی شده است. خط لوله گاز خزر، گسترش خط لوله گاز مرکز آسیای میانه^۴، بورگاس - آلكساندروپولیس^۵، نورد استریم^۶ و ساوت استریم^۷: همه اینان بر مبنای اقتصادی عقلانی متکی هستند».^(۳۷)

تصمیم به توقف خط لوله ناباکو به نفع پروژه خط لوله ترنس آدریاتیک^۸ / ترنس آناتولین^۹ حاکی از این است که بخشی از سخنان لاوروف حقیقت دارد. ناباکو بر اساس ملاحظات سیاسی و نه تجاری شکل گرفت اما اتحادیه اروپا^{۱۰} برای به پیش بردن آن مصمم به‌نظر رسید. باکو - تغلیس - جیحان به منزله پیروزی نگرش سیاسی بر تجاری بود؛ بنابراین رویه‌ای ایجاد شده بود. اما سرانجام تغییرات در بازار گاز اتحادیه اروپا به این معنا

-
1. Blue Stream
 2. Sergei Lavrov
 3. Nabucco
 4. Central Asia-Centre
 5. Burgas-Alexandroupolis
 6. Nord Stream
 7. South Stream
 8. Trans-Adriatic (TAP)
 9. Trans-Anatolian (TANAP)
 10. European Union (EU)

شد که ناباکو مزیت راهبردی خود را از دست بدهد و به دلیل تجاری و نه سیاسی تصمیم به لغو آن گرفته شد. خط لوله ۷ میلیارد دلاری ۲ هزار کیلومتری ترنس آناتولین در ابتدا تا ۱۶ میلیارد متر مکعب گاز (که انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۳ به ۳۱ میلیارد متر مکعب برسد) از آذربایجان به ترکیه منتقل خواهد کرد که در ترکیه به ترنس آدریاتیک متصل خواهد شد، که ترکیه را از طریق یونان و آلبانی به ایتالیا وصل می‌کند. طبق انتظارات اولین جریان انتقال گاز در سال ۲۰۱۸ آغاز می‌شود. این خطوط لوله بخشی از کریدور گاز جنوبی^۱ خواهند بود که علاوه بر کریدورهای عرضه موجود از روسیه، آفریقا و دریای شمال دربرگیرنده پروژه‌های زیرساختی برنامه ریزی شده برای انتقال گاز طبیعی از خزر و خاورمیانه به بازارهای اروپایی هستند. کمیسیون اروپا^۲ در دومین بررسی راهبردی انرژی^۳ خود که در اواخر سال ۲۰۰۸ منتشر گردید خواهان توسعه کریدور گاز جنوبی به منظور شناخته شدن به‌عنوان اولویت امنیت انرژی برای اتحادیه اروپا و کاهش وابستگی به روسیه به‌عنوان یک عرضه کننده نفت و گاز شد.^(۳۸)

خط لوله ترنس کسپین گس^۴ از اجزاء دیگر کریدور جنوبی است اما این پروژه تا دوران اخیر اولویت اندکی داشت. مدودف در سال ۲۰۱۱ هشدار داد که ساخت خط لوله، که نقشه آن توسط آذربایجان و ترکمنستان ریخته شد و از حمایت اتحادیه اروپا برخوردار گردید، تا زمانی که تمام پنج کشور ساحلی بر سر موقعیت حقوقی دریای خزر به توافق نرسند، موضوعی که از زمان فروپاشی شوروی همچنان حل نشده باقی مانده، غیر قابل قبول است. با این حال آذربایجان و ترکمنستان اعلام کرده‌اند که ترنس کسپین گس از درون قلمرو آبی این کشورها در خزر عبور خواهد کرد و بنابراین سایر کشورهای ساحلی هیچ حق اظهار نظری ندارند. اتحادیه اروپا در نوامبر سال ۲۰۱۳ روشن کرد که با وجود ناخشنودی روسیه، نیت به پیش بردن پروژه را دارد. دنیس دانیلیدیس^۵ رئیس کمیسیون

-
1. Southern Gas Corridor
 2. European Commission (EC)
 3. Strategic Energy Review
 4. Trans-Caspian Gas (TKG)
 5. Denis Daniilidis

اروپا در ترکمنستان گفت که کریدور برای ساخت خط لوله «مطلوب‌ترین» بود و این که اتحادیه اروپا و ترکمنستان در مراحل نهایی مذاکرات خود بودند.^(۳۹) خط لوله ۳۰۰ کیلومتری، خزر را از ترکمنستان تا آذربایجان طی می‌کند و در آن جا زیرساخت صادراتی موجود در جنوب قفقاز را تغذیه خواهد کرد. [این خط لوله] موجب خواهد شد گاز ترکمنستان بدون مجبور شدن به عبور از شبکه خطوط لوله روسی به مصرف کنندگان اروپایی برسد. اما این امر به معنای کاهش تعرفه‌های حمل و نقل مسکو خواهد شد که همان‌طور که در گذشته اشاره شد به خاطر امکان آغاز پروژه پیش از توافق نهایی میان پنج کشور ساحلی بر سر موقعیت حقوقی دریای خزر ناراحت است. ایگور براتچیکوف^۱ فرستاده ویژه رئیس جمهور روسیه برای مرزبندی و تعیین حدود مرزها با کشورهای مستقل همسود^۲ درباره تأثیر «مصیبت بار» بالقوه خط لوله بر «زیست بوم فوق‌العاده حساس» خزر هشدار داد و گفت که در صورت بروز یک حادثه، نه اروپایی‌ها (یا آمریکایی‌ها) بلکه کشورهای ساحلی هستند که باید از پس عواقب آن برآیند.^(۴۰) در حالی که خسارت زیست‌محیطی بالقوه، به وضوح یک دغدغه به شمار می‌رود، روسیه از این امر به‌طور سودمندی برای پنهان کردن نگرانی‌های واقعی خود، یعنی از دست دادن نفوذ و تعرفه‌های حمل و نقل ناشی از ساخت ترنس کسپین گس، بهره‌برداری می‌کند. میخائیل آلکساندروف^۳ از مؤسسه کشورهای مستقل همسود در مسکو هشدار داده که «غرب عزم مسکو در توسل به زور به‌منظور جلوگیری از تحقق پروژه‌های خط لوله در دریای خزر را دست کم می‌گیرد».^(۴۱) بسیار بعید است که مسکو از زور برای جلوگیری از ساخت ترنس کسپین گس استفاده کند، هرچند این احتمال وجود دارد که به اظهار مخالفت خود ادامه دهد و از نفوذ خود برای «متقاعدسازی» آذربایجان و ترکمنستان برای لغو پروژه بهره بگیرد. روسیه شاهد بوده که نفوذ خود بر خطوط لوله و زیرساخت صادرات در حوضه خزر در دهه گذشته در حال از بین رفتن است، که هم تأثیر اقتصادی و هم سیاسی دارد: مسکو دچار از دست دادن تعرفه‌های حمل و نقل شده و سلطه سیاسی خود را نیز در حال

1. Igor Bratchikov
 2. Commonwealth of Independent States (CIS)
 3. Mikhail Aleksandrov

تضعیف می‌بیند. ارتقاء ناوتیپ خزر نشانه‌ای نیرومند است که میلی به از دست دادن بیشتر نفوذ خود ندارد و خواهان باقی ماندن به‌عنوان قدرت مسلط در منطقه دریای خزر است.

همکاری برای خاویار؟

دریای خزر علاوه بر ذخایر هیدروکربن مهم خود، دارای یک منبع طبیعی ارزشمند دیگر است: خزر محل پنج مورد از ارزشمندترین گونه‌های ماهی خاویاری است که خاویار تولید می‌کنند. به گفته دانشمندان مؤسسه علمی - پژوهشی ماهی دریای خزر^۱ ارزش اقتصادی ثروت زیست‌شناختی دریای خزر در صورت مدیریت درست، به ۱/۱ هزار میلیارد روبل [واحد پول روسیه] (۳۷ میلیارد دلار) می‌رسد که معادل مجموع ارزش بازاری ذخایر قابل بازیافت نفت و گاز دریای خزر است.^(۴۲) این امر موجب افزایش درخواست برای این ماهی‌ها، از طرق قانونی و غیر قانونی، می‌شود و صید غیر قانونی ماهی خاویاری مشکلی جدی برای کشورهای ساحلی است. صید و ماهیگیری کنترل نشده از زمان فروپاشی اتحاد شوروی، تأثیر چشمگیری بر جمعیت ماهی‌های خاویاری خزر داشته است: دسته‌های ماهی خاویاری بلوگا^۲ در دریا ظرف دهه گذشته تا ۴۰ - ۳۰ درصد کاهش یافته‌اند و برخی انواع ماهی‌ها در آستانه انقراض هستند.^(۴۳) به گفته مؤسسه علمی پژوهشی بین‌المللی ایران، ماهی خاویاری وحشی با این نرخ کاهش فعلی ممکن است تا سال ۲۰۲۱ منقرض شود.^(۴۴) نظر به نبود توافق بر سر رژیم حقوقی دریای خزر، پنج کشور ساحلی هنوز راه درازی برای رسیدن به توافق بر سر بهترین شیوه مدیریت دسته‌های باقی مانده ماهیان خاویاری دارند. روسیه در سال ۲۰۰۲ ممنوعیت صید تجاری ماهی خاویاری را صادر کرد و در سال ۲۰۰۷ ماهیگیری را به کل ممنوع اعلام کرد، هرچند برای پژوهش‌های علمی استثناء وجود دارد. تنها خاویار در دسترس به‌طور قانونی در روسیه در حال حاضر خاویار پرورشی (نه وحشی) است. آندری کراینی^۳ رئیس آژانس فدرال شیلات^۴ روسیه گفت که ممنوعیت

-
1. Caspian Sea Fish Scientific-Research Institute
 2. beluga sturgeon
 3. Andrei Krainy
 4. Federal Fisheries Agency

ماهگیری ممکن است در صورت موافقت سایر کشورهای ساحلی برای دادن مهلت ۵ ساله برای احیاء دسته‌های ماهی خاویاری، برداشته شود.^(۴۵) قزاقستان صید ماهی خاویاری در محدوده آبی خود در خزر را ممنوع کرده است. اما اگرچه پنج کشور ساحلی بر سر ساز و کاری نهادی و سیاستگذاری زیست‌محیطی مشترک در دریا در قالب کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر^۱، که در سال ۲۰۰۶ در تهران به امضاء رسید و اولین موافقتنامه منطقه‌ای الزام آور قانونی بود، به‌طور رسمی موافقت کرده‌اند، اما برای اجرای کامل آن به‌منظور رسیدن به هر گونه توافق مشترک بر سر سهمیه ماهگیری یا مهلت قانونی هنوز راه در پیش است. آذربایجان و ایران طرفدار ممنوعیت هستند اما ترکمنستان مخالف است.

همان‌طور که در گذشته اعلام شد، صید غیر قانونی یک مشکل است. گشت ساحلی روسیه گفت در سال ۲۰۱۱ میزان ۷ تن ماهی خاویاری صید شده به‌طور غیر قانونی را ضبط کرد. در ۱۰ روز اول عملیات یک ماهه مشترک برگزار شده توسط گشت مرزی روسیه و قزاقستان در اکتبر سال ۲۰۱۳، بیش از ۱۷ کیلومتر تور و ۱۰ هزار قلاب ماهگیری ضبط شد.^(۴۶) گشت ساحلی قزاقستان در اواخر نوامبر سال ۲۰۱۳ در خلال عملیاتی ضد ماهگیری غیر قانونی در دریای خزر یک صیاد روس مظنون به صید غیر قانونی را کشت. بنا به گزارش‌ها ۸ قایق کوچک از توقف به‌منظور بازرسی ممانعت کرده و گشت ساحلی را مجبور به تیراندازی کردند.^(۴۷) ارزش بالای ماهی خاویاری و خاویار آن به معنای میل صیادان غیر قانونی به خطر کردن بیشتر برای حفاظت از درآمد خود است. طبق یک گزارش، «۸۰ درصد از صیادان غیر قانونی اکنون به سلاح‌های کوچک و نارنجک مسلح هستند؛ باتجربه ترها حتی از سامانه‌های ردیابی فضایی به‌منظور یافتن مکان دقیق دسته‌های ماهی استفاده می‌کنند» که این امر موجب شد ولادیمیر پوتین^۲ فعالیت آن‌ها را نه فقط صید غیر قانونی بلکه «تروریسم زیست‌محیطی» توصیف کند.^(۴۸) نظر به ارزش بالای ماهی خاویاری و مقیاس ماهگیری و صید غیر قانونی، جای تعجب ندارد که کشورهای ساحلی

1. Framework Convention for Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea
2. Vladimir Putin

۳۰ ■ روسیه و دریای خزر: قدرت‌نمایی یا رقابت برای نفوذ؟

بر روی کشتی‌های سریع‌تر کوچک به‌منظور منع فعالیت‌های غیر قانونی و حفاظت از منافع ملی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند.